

کمیته فنی یعنی کشک

در جلسه تشکیل یافته در خانه مطبوعات حرف ها و سخنان زیادی مطرح گردیده و سؤالات چندی مطرح گردیده است. یکی از سؤالات خبرنگاران در مورد کمیته ای به نام کمیته فنی بوده است

قبل از این که به چگونگی تشکیل کمیته فنی و نقش آن در تیم شهرداری از از زمان صعود به لیک یک بپرد ازیم به یکی از فرمایشات رهگشا و نغز امام علی بن ابی طالب(ع) که می فرماید روزگار دو روز است ، روزی با تو و روزی علیه تو اشاره می کنیم. روزی روزگار بر تو لبخند می زند و شادی و کامیابی و پیروزی را لمس و احساس می کنی و در آغوش می کشی و روزی نه ، برعکس، شکست و ناکامی با همه تلخی ، کسالت ، ضرر و زیاننش به سوی تو روی می آورد و این یعنی زندگی ! زندگی در همه عرصه ها و جنبه هایش، هم پیروزی دارد و هم شکست. هیچکس ، هیچ تیمی و هیچ قدرت و مجموعه ای ، همیشه پیروز نیست و همواره بازنده هم نیست. قوی ترین تیم های دنیا هم بازنده بودند و بزرگ ترین قهرمانان عالم هم شانه هایشان خاکی شده و مزه خاک را چشیده اند. در این گیلو دار انسان باید خود را نبازد و با چند پیروزی فکر نکند فاتح عالم است و به دام غرور و تفرعن گرفتار شود و با یک شکست فکر کند دنیا به آخرت رسیده و همه چیز به پایان رسیده و ناامید و مایوس شود. این پیروزی ها ، شکست ها ، بردها و باخت ها امتحان است و به قول شاعر:

مرد باید که درکشاکش دهر سنگ زیرین آسیاب باشد.

اتفاقا در ادبیات غنی ما برمبنای آن سخن مولا که در آغاز کارآمد، آثار و اشعار فراوانی برخامه ولسان ادیبان بزرگ و متفکران کم نظیر این مرز و بوم جاری و در دفتر تاریخ ثبت شده است از جمله شعر حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی است:

چنین است کردار گردون پیر

گهی چون کمان است و گاهی چو تیر

چنین است رسم سرای درشت

گهی پشت به زین و گهی زین به ، پشت

و در جای دیگر

چنین است کردار گردنده دهر

گهی نوش بار آورد گاه زهر

و اما توصیه حکیم بزرگ طوس در این باره :

بد و نیک هر دو زیزدان بود

لب مرد باید که خندان بود

یعنی در هر صورت چه وقت پیروزی و کامیابی و چه هنگام شکست و ناکامی، مرد باید مرد باشد، خود را نبازد، نه از سویی به وادی غرور و سقوط در نغلتد و نه از آن سو در گرداب یاس و نومیدی غرق شود! انسان باید در گیرودار این برد و باخت ها خود را بسازد، اخلاق و منش خود را اصلاح کند و توشه خود را پرکند.

در هر اتفاقی که پیش آید انسان ضروری است اصول مردی و مردانگی را زیر پا نگذارد و واقعیت ها را وارونه جلوه ندهد و برای تبرئه کردن خود، دیگران را در معرض اتهام قرار ندهد و هر آنچه حق است و حقیقت است بر زبان جاری کند، هرچند که به ضررش تمام شود.

با این مقدمه نسبتاً طولانی بخشی از مطلبی تحت عنوان کمیته فنی یعنی کشک که در شماره 23 نشریه جنت سرا و به تاریخ آذر ماه 93 توسط نگارنده این سطور نوشته شده در زیر اشاره می شود تا عزیزان ضمن آشنایی به چگونگی تشکیل از سرنوشت آن نیز مطلع شوند.

” برای این که بعد از صعود تیم شهرداری به لیگ یک، آقایانی که در باشگاه و تیم کاره ای بودند به دلیل آنکه بتوانند بدون درگیرکردن خود با مسئله، ربیعی را فراری بدهند و فرد دیگری را جایگزین وی کنند بحث تشکیل کمیته فنی را به میان کشاندند و با دعوت از تنی چند از پیشکسوتان خوشنام و با کارنامه فضا را طوری آماده کردند که همه قبول بکنند انتخاب مهدی دینورزاده و به توافق نرسیدن با محمد ربیعی کار ودست پخت کمیته فنی بوده و آقایان در این تصمیم ها هیچگونه دخالتی نداشته اند. چرا که در آن ایام افکار عمومی و نظر بیشتر تماشاگران و علاقه مندان به ماندن ربیعی مثبت بود و این عزیزان چون نمی خواستند موقعیت خود را به خطر به اندازند همه کاسه کوزه ها را بر سر کمیته به اصطلاح فنی شکستند و رفتن ربیعی و آمدن دینورزاده را به رای و نظر کمیته فنی نسبت دادند و این درحالی بود که آقایان در پشت پرده تصمیمات خود را گرفته بودند و اعضای کمیته فنی متاسفانه، ناخواسته در این میان نقش رابط را بازی کردند و خود و آبرو و سابقه خود را صادقانه در طبق اخلاص نهادند و در نهایت همه کارهای مربوط به رفتن ربیعی و آمدن دینورزاده به پای کمیته فنی نوشته شد.

و اما در قضیه برکناری و قطع همکاری کسی سراغ کمیته فنی را نگرفت. آقایان خود نشستند، بریدند و دوختند و به اندازه یک سر سوزن نیز به این عزیزان و پیشکسوتان بزرگوار ارزشی قائل نشدند. راستی چرا در زمان انتخاب همه کارها به پای کمیته فنی نوشته شد و چرا در برکناری نامی از این کمیته به میان نیامد؟ آیا نباید برکناری نیز با رای اعضای کمیته فنی انجام می پذیرفت و چگونگی امر از

آنها استعلام می شد؟ نکند این آقایان همچنان به فکر خود و به فکر روزهای آینده هستند؟ حالا که افکار عمومی با توجه به کسب نتایج تقریباً راضی به رفتن حاج مهدی بودند، آقایان خود قدم پیش گذاشتند تا سکه رفتن حاج مهدی را به نام خود ضرب بکنند و به این ترتیب محبوبیت و مقبولیت خود را در بین تماشاگران بالا ببرند. شاید که فردایی دیگر این کار آنها در صحنه ای دیگر به دادشان بشتابد و نظر تماشاگران را به سوی آنها برگرداند؟

آیا این اصولی است که بعد از پایان مسابقه و در ترک جایگاه مخصوص در مواجهه با یکی از اعضای به اصطلاح کمیته فنی برای خالی نبودن عریضه درارتباط با رفتن حاج مهدی نظر خواسته شود و این درحالی بوده است که آقایان قبلاً تصمیم خود را گرفته بودند و همه چیز را برای خداحافظی دینورزاده از اردبیل فراهم نموده بودند؟

برکناری یک سرمربی مراحل را طلب می کند تا با رایزنی و اقدام به موقع کمترین لطمه و ضربه را متوجه تیم نماید. در فوتبال تصمیمات احساسی و حرکت نمودن با شعار تماشاگران و سکوها ضرر و زیان جبران ناپذیری می تواند به دنبال داشته باشد. آقایان تصمیم گیر در شهرداری در تصمیم خود نباید عجله می کردند و با بررسی همه جوانب و در فرصت مناسب نسبت به تغییر دادن کادر فنی اقدام می کردند و این کار را با خواست این و آن همراه نمی نمودند.

به دنبال همین بی توجهی ها و تکروری ها و حرکت بر اساس منافع پیش بینی شده برخی از پیشکسوتانی که در جلسه انتخاب سرمربی دادند از عضویت در کمیته به اصطلاح فنی استعفا دادند که نادر کهنمی، و دود اسحق زاده و محبوب داوردان از آن جمله بودند.

در آن ایام حرکت بر مبنای خواست تماشاگران و راضی نگاه داشتن آنها و گردن نهادن به فرمایشات برخی ها، در سایه توجه به آینده و بهره برداری از کمک و مساعدت آنها بود. به طور کلی هر جا کار دارای ایراد بود کننده اش کمیته فنی بود و هر وقت که کار خوب و راضی کننده انجام می شد به پای آقایان نوشته شده و برخی ها چون پهلوانان پیروز در مستطیل سبز حاضر شده و با غرور به ابراز احساسات تماشاگران با تکان دادن دست جواب می دادند.

در هر صورت کمیته فنی آن ایام نیز جز کشک چیز دیگری نبود و آنها بیشتر سپر بلا بودند تا کمیته فنی و کلام آخر این که این چه کمیته فنی بود که بعد از انتخاب دینورزاده تا برکناری وی حتی برای یک بار هم تشکیل جلسه نداد و نظری از آنها خواسته نشد. یا حق